

## از طلوع تا غروب روزنامه طلوع

### ندا رسولی

طلوع نشریه‌ای است که یکی از انقلابیون جنگل پس از فرونشستن نهضت جنگل در رشت منتشر کرد. محمودرضا طلوع با انتشار این نشریه اصلاح طلب سعی داشت که مبارزاتش را بشکل قلمی ادامه دهد. مقاله فوق تک نگاشتی است از طلوع تا غروب مجله «طلوع» که از پیشگامان روزنامه‌نگاری گیلان زمین است با اندکی از روزشمار زندگی محمدرضا طلوع.

نخستین شماره روزنامه «طلوع» روز دوشنبه ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۲ مطابق با ۲ جدی ۱۳۰۲ در رشت منتشر شد. انگیزه انتشار نشریه طلوع، انعکاس اخبار داخله و خارجه و اشاعه قضایای عمومی و مملکتی بوده است.

در بالای صفحه روی خطی مستقیم آمده است: «شماره از سال اول دوشنبه ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۲ ق مطابق ۲ جدی ۱۳۰۲ ق صفحه ۱» کلیشه نام روزنامه طلوع در وسط صفحه و طرفین آن دو مصراع «چنان طلوع کند آفتاب هستی ما - که یادکس نکند از زمان پستی ما» به صورت موازی و عمودی آمده است، در سمت راست سرلوحه «محل اداره: موقتاً منزل مرحوم حاجی آقا رضا، صاحب امتیاز و مدیر محمود، رضا - سردبیر: ابراهیم فخرایی؛ عنوان تلگرافی: رشت طلوع. در سمت چپ «اشتراک، داخله، سالانه ۵۰ قران - ۶ ماهه ۳۰ قران، خارجه، به ضمیمه اجرت پست، اعلانات صفحه اول سطری ۴ صفحه دوم ۳ سوم ۲ چهارم یک قران، مکاتیب به نام اداره ارسال می‌شود و در حکم و اصلاح مقالات اداره آزاد خواهد بود و در زیر همه اینها با خطی درشت‌تر آمده است: ایام دوشنبه و پنجشنبه طبع و توزیع می‌شود. تک نمره ۶ شاهی. این روزنامه در مطبعه سربی «مطبعه عروه الوثقی» رشت در چهار صفحه به چاپ می‌رسیده است. مطالب نخستین شماره آن حاوی سرمقاله‌ای به نام ایران و آزادی است که در آن آمده: «بعد از طرح

مطالب اصولی و بعد از گذر اجمالی از تاریخ ایران می‌نویسد «بیش از دویست سال است که باز دورهٔ نکبت فرا رسیده، جغد سیاه بر مرز و بوم این کشور آشیانه گزیده، عدهٔ رجال پوسیده و اشراف متعددی و بی‌قید به استقلال، به روی خرابه‌های آن جایگاه شهوترانی خود را مستقر، و در جشن‌های شادکامی و عشرت که از شراب رنج زارعین سرمست می‌شوند به دنیا پس مرگ ماچه دریا چه سراب ترنم هستند. منورین مملکت که در اثر نهضت مصنوعی و فاقد مقدمات اساسی، مشروطیت و قوانین مقوی را جایگزین حکومت فرعون‌ی ساختند، جز از یاد فرعون صفتان فرومایه ثمری نبرند. دار قانونی، شکنجه قانونی، سیاه‌چال قانونی، استقراض استقلال بر بادهٔ قانونی، چپاول قانونی، و بالاخره حکومت قانونی به امحاء آخرین بنیان استقلال ایران کوشید... ما که در بحبوحه این سفالت قلم به دست گرفته مجدد می‌رویم نبرد سیاسی را شعار خود قرار دهیم آیا می‌توانیم هدایت افکار را به عهده گرفته طریقی برای نجات مملکت از فلاکت حاضره ارائه دهیم؟ ما نمی‌خواهیم قلم و فکر خود را به معرض آزمایش ملت بگذاریم یا ادعاهای مندرسه معمولی را تکرار کنیم. زیرا زندگانی هول انگیز و خاطره‌های تلخ ناگوار، قربانی‌های صمیمانه نیات صادقانه ما را به مورد عمل گذاشته و دیرزمانی است هویت خود را نشان داده‌ایم، ما بعد از مهالک و غور در مسالک و گذشتن از پیچ و خم‌های سیاست متلونه داخلی و خارجی، و گداخته شدن در کوره‌های آمال متنفذین، وجیه‌المله‌ها و سیاست‌بانان، بدون غل و غش از بوته امتحان اینک بر وی تجربیات خود استواریم، ما در مواقعی که با مرگ سهمناک دست به گریبان بودیم دو گوهر نفیس را در زوایای قلب پرورانده و جان‌های خود را جزر آن قرار دادیم: ایران - آزادی». و در پایان مقاله آمده است: هر چه هست در ملت است و آنچه آرزوی ملت است این است: ایران - آزادی.

در پایان دو ستون آخر این شماره و صفحه بعد طی اخطار اداری می‌نویسد: چنانچه در سرلوحه روزنامه ملاحظه می‌فرمایید این روزنامه هر هفته دو مرتبه در ایام دوشنبه و پنجشنبه منتشر می‌شود. ولی نظر به این که حسن جریان امور اداری گرفتاری‌های مقدماتی را در برداشت، این است برای مدت قلیلی هفته‌ای یک مرتبه انتشار خواهیم داد.

طلوع از شمارهٔ ده سال اول به بعد مدتی دو شماره در هفته و سپس روزانه منتشر و بعد دوباره هفته‌ای یک شماره نشر یافته است و باستثنای دو نوبت که روزنامه توقیف گردیده مرتباً طلوع روزهای دوشنبه طبع و توزیع گردیده است.

در ذیل اخطار اداری دیگر آمده است که: «چون روزنامه طلوع سرمایه مشابهی ندارد و عوایدش منحصر به وصول وجه آبونمان خواهد بود، لهذا مساعدت مشتریان محترم را در تأدیه وجه قابل آبونمان جلب نموده و تقاضا داریم برای ادامه این مؤسسه ملی پس از وصول سه شماره از کمک و معاونت در تأدیه مبلغ معینه مضایقه ندارند.»

سردبیر روزنامه، آقای ابراهیم فخرایی که از شمارهٔ ۴۹ سال اول مورخ ۲۱ میزان ۱۳۰۳ شمسی، تمام امور ادارهٔ روزنامه به عهدهٔ صاحب امتیاز و مدیر محمود، رضا واگذار گردید و آقای ابراهیم فخرایی چنانچه در همین شماره شرحی به عنوان اعتذار نوشته و از سردبیری روزنامه کناره گرفته است. در ذیل اعتذار

آمده است: چون ایفای وظایف تدریسیه با دارا بودن سمت سردبیری نامه (طلوع) خالی از اشکال نیست لزوماً بخدمات اجتماعی خود در قسمت تدریس اشتغال جسته و از سمت سردبیری نامه طلوع معذور است. ابراهیم فخرایی

مندرجات روزنامه طلوع در هر شماره پس از درج مقاله اساسی که معمولاً دو یا سه ستون صفحه اول را در بر گرفته، بیشتر راجع به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و گاهی راجع به اوضاع سیاسی ممالک خارجی و کشورهای همسایه نوشته شده است. اخبار محلی گیلان و مختصری از اخبار خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده است گاهی انتقاد از اوضاع اجتماعی است که تحت عنوان «بیخ گوش» درج گردیده است که گاهی دو ستون از صفحه ۳ یا ۴ را به خود اختصاص می‌دهد. در شماره ۱ می‌خوانیم: «پیرمردها و دنیادیده‌ها آنهایی که چندین پیراهن بیشتر از جوان‌ها پاره کرده‌اند گاهگاهی صحبت‌های خیلی شیرین و خوش مزه ایراد می‌کنند. خاطره‌های ایام گذشته و خوش مزه و تجارب فراوانی که در طی زندگی خود دیده‌اند حکایات و امثال جاذبی را در حافظه‌شان ذخیره نموده‌اند» هر چند که در موقع برخورد و مکالمه چندان اختصار کلام را رعایت نمی‌کنند و مانند جوان‌ها آنقدر مضر نیستند که بیک «مرسی» خشک و خالی یا یک «قربان تو» میان تهی سرچشمه صحبت را یک مرتبه کور کنند. و باصلاح امروزی قمیش را بردارند ولی اگر دقیقاً توجه شود، بیانات و الفاظشان آمیخته بنصایح و اندرزهای دل چسبی است که چنانچه با محک احتمال درست مشخص شود و حقیقت آن گفتارها کاملاً واضح و مبرهن خواهد گشت. بنابر آن هیچ وقت از ملاقات این قبیل اشخاص نباید متنفر بود و از اطباء مذاکراتشان نبایست اشمئزای حاصل کرد. باشد که در زمینه بیانات، پندها و موعظت‌هایی اخذ شوند که هم سرمشق زندگانی آتی، بوده و هم برای سعادت جامعه مفید باشند ... دایی رحیم یک سال‌خورده دنیادیده است که غالباً مطالب مهم اخلاقی و سیاسی را به لباس مثل و حکایت آرایش داده برای دوستان خود نقل می‌کند. جایی از ایران نمانده است که دایی رحیم قدم نگذارد و مردمی سراغ نمی‌رود که از کم و کیف احوال و طرز زندگانشان اطلاع بهم نرزد باشد...

درباره مندرجات روزنامه طلوع باید اضافه کرد؛ در بعضی از شماره‌های این روزنامه قطعات و غزلیاتش از بعضی شعرا درج شده است. (اسمعیل دهقان، سروردوله محصص لاهیجانی گیلانی، ادیب السلطنه حکمران ایالت طهران - محزون لنگرودی - لاهوتی و ...) در صفحات مختلف روزنامه تبریکاتی از طرف نامه طلوع جهت انتشار روزنامه‌ها آمده است (پرورش - بدرمنیر - پیک - قرن چهاردهم - نصیحت) و یا تشکر و قدردانی به خاطر حسن ظن روزنامه‌ها به نامه طلوع (فکر آزادی - مهر منیر - پیک) و گاهی اظهار تأسف به خاطر توقیف بعضی روزنامه‌ها (ندای گیلان - جریده وقت) و یا اظهار خوشحالی از رفع توقیف (شفق سرخ - ندای گیلان) ...

در سرمقاله صفحه یک شماره ۳۴ در ارتباط با فساد مطبوعات می‌خوانیم؛ بدبختی ما یکی دوتا نیست که بتوان علاج نمود - از در و دیوار برای ما مصیبت و بدبختی می‌بارد که یکی از آنها فساد مطبوعات است بردارید جراید و مطبوعات مرکز را مطالعه کنید مندرجات یک سلسله اوراقی را که بنام‌های مقدس

زینت یافته‌اند تحت تفرس دقیق خود در آورید. ببینید در تلو قرائت و مطالعه آنان چه احساساتی در شما غلبه می‌نماید. این آقایان محترم گویا متوجه این مسئله نیستند که روزنامه برای نشر اغراض این و آن نیست هوسات شخصی نباید در وی نفوذ و تأثیر داشته باشد به بخش و تهمت و افترا یعنی چیزهایی که مشوق بداخلاقی هستند نباید آلوده شود. وظیفه مقدس جریده نگاری بالاتر از این است که صفحات به یک سلسله لاطایلات و کلمات تنگ بار سیاه شود... بعد از مطرح کردن مسائلی در این زمینه از قول یکی از بزرگان می‌نویسد: « هنگامی که فهم درجه معرفت و تمدن یک ملت را خواستار می‌شوید به مطبوعات آن ملت رجوع کنید.» آیا موقع آن نیست که از نقطه نظر هدایت افکار و به پاس احترام و شرافت قلم به وظیفه جریده نگاری آشنا گردید. افسوس که ما چکش به آهن سرد می‌کوبیم... در شماره ۳۹ در سرمقاله با عنوان شکست مطبوعات می‌خوانیم:

از روزی که ما حیات سیاسی خود را از راه جریده‌نگاری و تنویر افکار عامه تعقیب کردیم، تشخیص داده بودیم که طی مشکل‌ترین مرحله را به عهده گرفته و این طریق طاقت‌فرسا و پرزحمت را در پیش داریم... نفوذ و پول بیگانگان در مطبوعات ایران چنان رسوخ یافت که دیگر نمی‌توان برای جراید ما اعتبار و مقامی را معتقد شد. ما می‌دانستیم که در بدترین موقعی مساعی خود را به ارشاد و راهنمایی افکار تخصیص داده‌ایم. ما دانسته و فهمیده به این میدان قدم گذاشتیم و برای مبارزه بر علیه همین بساط افتضاح آور و وضعیت ناگوار قلم فداکاری بدست گرفتیم. امروز که ضیق بودجه و مزاحمت طلب کاران و احتیاجات مادی سد راه ما شده است ناچاریم که در نهایت تأسّف و ملال قدری متوقف شده و باقتضاء داخلی نامه طلوع توجه و مروری نماییم. مجبوریم که با همه استغنائی طبع اقرار کنیم که خسارت بدگمانی و یأس هموطنان از مطبوعات دامنگیر ما نیز شده و ما هم از بی‌علاقگی اهالی به جراید سهمی بردیم شش‌ماه در نهایت قناعت و اقتصاد تلاش نمودیم و بدون استفاده از عادیات جریده که منحصر به وجوه اشتراک بود رنج کشیدیم و امروز مبلغی به مطبوعه و دیگران مقروض شده‌ایم و آیا خجالت‌آور نیست که گفته شود جریده که هفته‌ای دو شماره طبع می‌شود، بدون این که مؤسّسین و کارکنان آن نظر استفاده داشته باشند نتوان در گیلان انتشار دو شماره را - دو شماره در هفته نه یومیه - ادامه دهد؟... فقط برای این که قوای خود را جمع و تجدید نموده و بودجه نامه طلوع را تعدیل و به تهیه عایدات ثابتی از جمع‌آوری آبونمان‌های وصول نشده و ازدیاد مشترکین و جلب مساعدت علاقمندان وطن و آزادیخواهان گیلان نائل شویم تا مدت کمی هفته‌ای یک شماره منتشر ساخته و در ظرف اندک وقتی امیدواریم که به انتشار بیش از دو شماره در هفته سربلند شده و به خدمتگذاری هموطنان و روشن ساختن افکار ملت و مبارزه بر علیه دشمنان ترقی و تکامل ایران و خفه ساختن ماجراجویی و سفسه موهوم پرستان و ناشرین خرافات موفق شده رشد و فلاح جامعه را با تأییدات سبحانی در عهده گیریم.

... عمر روزنامه طلوع بیش از بیست و دو ماه نپایید، مدت انتشار آن تا ۶۹ شماره بود، تا شماره ۶۹ سال دوم آن مورخ پنجشنبه ۷ آبان‌ماه ۱۳۰۴ شمسی مصادف با ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۴۴ قمری ۲ مرتبه دچار توقف گردیده است. یکبار پس از انتشار شماره ۴۸ اول مورخ ۶ سنبله ۱۳۰۳ شمسی مصادف با ۷ صفر ۱۳۴۲

که برای مدت خیلی کوتاهی یعنی تا تاریخ ۲۱ میزان ۱۳۰۳ دچار توقف گردیده و در تاریخ مذکور مجدداً شماره ۴۹ سال اول آن منتشر شده است و در همین شماره (۴۹) مقاله‌ای تحت عنوان شوخی ناگوار آورده که خلاصه آن به شرح ذیل است:

طلوع «طلوع» گویی مرهمی به جراحات آرزومندان اصلاحات و امیدواران بانجام مقاصد ملیه نهاده که با بشاشت و شغف مخصوصی مورد حسن تلقی همه گردید و خوشبختانه رویه و مسلک بعدی آن نیز مؤید امید امیدواران شده و بدون اغراق تمام اهالی روزنامه خوان گیلان نامه طلوع را بیک سعادت مطبوعات وقت و ندای حقیقی گیلان دانست.

کانون منشئات و تحریرات طلوع همان کانون افکار ملیه و مندرجات از تراوشات فکری توده علاقمند

شماره ۱		سال اول		دوشنبه ۱۵ ح ۱۳۳۲ مطابق ۲ جمادی ۱۳۰۲ صفحه ۱			
محل اداره: موقتاً منزل مرحوم حاج آقا رضا				صاحب امتیاز و مدیر: محمود ، رضا			
سرمدیر: ابراهیم فخرانی				معاون نشراتی: رشت طلوع			
داخله		اشتراک		خارجیه			
۶ ماه		۳۰ قران		۵۰ قران - ۳۰ قران			
۳ ماه		۲۰ قران		۱۰ قران			
۱ ماه		۱۰ قران		۵ قران			
اعلامات صفحه اول - هفتی ۳ صفحه دوم - سوم ۲ چهارم ۱ قران							
مکتوبات بلام اداره ارسال میشود و بزرگ و اصلاح مقالات اداره آزاد خواهد بود							
<b>ایام دوشنبه و پنجشنبه طبع و توزیع میشود</b> <b>شماره ۶ شاهی</b>							
<b>ایران - آزادی</b> کون نیز همانرا سروده آمل فرارده بیم و امید از آن و باکی از دیگران نداریم ما منتقدیم که ایران ساز هروی پخت را در آشپزی کشیده روی سعادت را خواهد دید . ما بگوئیم دنیای کنونی که از کثرت آرز امان و احشاء خود را درید ، و از خون و کثافت تنفسی بنیاد به معجزوات طبیعی دست نغورده ایران محتاج و نیازمند است ما را لازم است که از اقویا و غلام و		<b>رباعی</b> ای وطن ای که مرا فیه بجز سوزی نیست پرستم بعدا کچه اگر گوی تو نیست مطلق کن مهر تو را ارزشی ایمان بنهاد خوشی با دادولی نیست یک سوی نیست از بیسوف شیر مرحوم طالبانیف ما که در پیروجه این منسلت الم بدست کرت بجهت میروم نبرد سیاسی را شمار خود قرار دهم آیا میتوانم هدایت افکودرا		مرگ ما چه دریا چه سراب ختم هست منورین مملکت که در اثر نشت منوسی و فقه مقدمات اساسی ، مشروطیت و اوایلین مقنناتی را جلیکترین حکومت فروعی ساخته جز از بداد فرعون ستان فرومایه نثری نبرد مدار قانونی ، شکجه قانونی ، سیاهچال قانونی استغراض استنلال بریده قانونی ، جوارق قانونی و بالاخره حکومت قانونی به احشاء آخرین بنیان استنلال ایران کوشیده . بدبختانه در عصری داخل شدیم که با قرون ماضیه بسیار متفاوت و ترسیم بظلمت از دست رفتن ادبی ، مشکک است . اگر		<b>ایران - آزادی</b> بر کار قدرت پروردگار ، از وقتیک ست طبیعت خطوط سرحدی این گدود بر سمنه جنوب غربی آسیا مرز مباحث ، پنهان آرا با مقدرات جرت انگیزی ، و نگاه داد ، فرست رحمت ، غفرت ، هر کدام بنوبه خود ساکنین آرا خوش اندیشه‌های دنیا به فرسار دادند . زمان پیدایش تاریخ و نزاع میو و انسان ان و شیطان مردمان آن سگهای ذلیل میان تمدنی و وقتی دیو بند بسودند .	

پنجم بهارستان / د.س. ۱، ش. ۱ و ۲ / پایتیز و زمستان ۱۳۸۷

وطن و تیپ اصلاح طلب بوده و به همین جهت وقتی که در بودجه آن قطعی حادث یافت علاقمندان داوطلبانه بوسیله سواره تا حدی که مقدرشان بود به جبران برخواسته و با قلبی مملو از میل و رضا ابراز خدمت نموده و ناقه محبوب خود را از سقوط نگهداری کردند. مثال فوق محض اظهار گردید و گرنه دلایل عدیده با ثبات این مدعی موجود است. با چنین وضعیتی شماره ۴۸ طلوع دستخوش یک شوخی ناگوار گردیده و از تاریخ ۲۶ سنبله ۱۳۰۳ علاقمندان به خود را در حیرت و تعجب منتظر گذاشته است. که برای چه این نامه محبوب به راکسیون و عکس‌العمل دچار و هنوز املی از امان و مرام خود را انجام نداده و غروب نموده است. خوشبختانه دامنه قضیه کوتاه و شبهات قضیه مرتفع و خسارت وارده قابل جبران و اینک نامه

محبوب ما پس از چندی تعطیل منتشر و به علاقمندان خود مژده خدمت می‌دهد.»  
بار دیگر پس از انتشار شماره ۶۸ سال دوم مورخه جمعه ۲۴ شعبان ۱۳۴۳ مصادف با ۳۰ حوت ۱۳۰۳ روزنامه به مدت هفت ماه توقیف گردید و شماره ۶۹ سال دوم در تاریخ پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۰۴ مصادف با ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است.

عنوان مقاله افتتاحی این شماره (۶۹) پس از هفت ماه با این سطور شروع می‌شود: «یک منظره و یک دوره مخوفی که از خاطر افسرده گیلانی محو شدنی نیست در هفت ماه قبل ما را به مبارزه کشانید... از آن دوره ظلمانی چندماهی بیش نمی‌گذرد ولی برای محو آثار او سال‌ها حسن سیاست و تدبیر لازم است تا روح مکدر و مأیوس گیلانی را به صفا و جلای دیرین مانوس ساخت...» در همین شماره تحت عنوان تشکر مدیر روزنامه جراید محترم مرکز و ایالات و احزاب و طبقات مختلفه محلی که از توصیف نامه طلوع اظهار همدردی نموده اظهار تشکر نموده است.

یکی از مطالب مهم در فوق‌العاده دهم آبان ۱۳۰۴ درج اعلام انقراض سلطنت قاجاریه و واگذاری حکومت موقتی به شخص رضاخان پهلوی می‌باشد که توسط سیدمحمد تدین نایب رئیس مجلس شورای ملی به استحضار عموم رسید.

## محمودرضا طلوع

محمود طلوع، ششمین و کوچک‌ترین فرزند مرحوم حاج آقا رضا مجتهد معروف و آزادیخواه مشهور در سال ۱۲۶۷ خورشیدی در شهر رشت متولد شد. او در مدرسه جامع رشت به کسب دانش پرداخت او بعدها جهت ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در آلمان و اتریش و سوئیس به سیر مطالعات پرداخت. او در اوایل جنگ جهانی به ایران بازگشت محمودرضا در ورود به رشت با نهضت نوپای جنگل به رهبری دوست دوران تحصیلی‌اش یونس روبرو شد. او نهضت را با عقاید و افکارش هماهنگ یافت به جنگل رفت و هم‌پای زعمای جان بر کف گرفته نهضت مبارزه مقدسی را آغاز نمود و تا آخرین روزهای سرنوشت جنگل صمیمانه کوشید و از قدرت‌ها نهراسید. بعد از خاموش شدن شعله نهضت جنگل او با کمک چندتن از دوستانش موفق به گرفتن امتیاز نشریه طلوع گردید و مبارزه با سلاح قلم شروع شد و در این پیکار، هم‌رزم جوانش ابراهیم فخرایی با سمت سردبیری طلوع او را یاری داد. پس از مدتی بر اثر ابراز حقایق و نشر افکار آزادی‌خواهی روزنامه توقیف و او تبعید گردید.

طلوع در زمان تغییر سلطنت به نمایندگی در مجلس مؤسسان انتخاب شد و در تهران دوستان آزادیخواش او را متقاعد ساختند که سردار سپه منظوری جز خدمت به ایران و ملت ایران ندارد. از این رو نظر موافقت او را نسبت به رضاخان جلب کردند.

او در دوره ششم نیز به نمایندگی پارلمان انتخاب شد و چون عملیات و حرکات دولت موقت را مخالف شئون آزادی‌خواهی دید از مخالفت با دولت درآمد و مبارزه سختی بین او و حکومت مستبد پهلوی در گرفت. در دوره هفتم نیز علی‌رغم تمایل دولت به اتکاء میل مردم از حوزه لاهیجان انتخاب و به مجلس ملی رفت.

و در این دوره مخالفت خود را شدیدتر نمود و با فرخی نیروی اقلیت خطرناک مجلس را دو نفره تشکیل دادند و تا آخرین روز نمایندگی وظیفه واقعی یک نماینده ملت را با تمام معنی انجام داده و در دوره هشتم باز از طرف مردم نامزد نمایندگی بود که با تهدید دولت کناره گرفت. او با اصرار بعضی از دوستانش پروانه وکالت دادگستری گرفت و از این رو توانست با مردم آمیزش کند. تا این که در روز ۱۶ دی ماه ۱۳۱۹ بدون مقدمه بیماری به تغییر حالت ناگهانی درگذشت.

روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶ دی ماه ۱۳۱۹ شمسی تحت عنوان «فوت تأثرآور» می نویسد: «موافق تلگرافی که امروز از نماینده اداره در رشت رسید آقای محمودرضا طلوع دیروز غروب غفلتاً به مرض سکتہ دارفانی را وداع گفته‌اند. مرحوم محمودرضا طلوع صرف نظر از این که مردی میهن پرست بود، دارای صفات اخلاقی بسیاری بود که از هر حیث او را شایستگی داده بود.»

اول مرداد ۱۳۰۴

فوق العاده طلوع

### پس از چهار ماه

اگر سابقه عشق و علاقه باین آب و خاک عقاید مظلوم جوانه و ارائه طرق سواب و سلاطین و پهلوانی صراف میکند. شبه نیست که تفاوت آن دیر با ژود در صحایف تاریخ و روز کار آینه منکس خواهد گردید.

چهارمی که بر خزانگان محترم پوشیده نیست نامه طلوع بعد از نشر شماره ۶۸ مورخه ۳۰ صحت ۱۳۰۴ بر خلاف انتظار خود به تعطیل اجباری بر خورده توانست بافکار هموطنان عزیز در اثناء قضایای عدوسی و مملکتی همراهی کند.

ما چون حکمت تاریخ را همواره بهترین مؤید عقاید اصلاح اندیشه و محرر تیرین سند وقت خود تشخیص داده‌ایم در مقابل همه مشکلات و موانع اجباری از رویه ثابت و پایداری انحراف نجسته و اطمینان داشتیم که آینده بزرگ حقیقت اظهارات و پیشنهادات خیر خواهانه ما را اعلام خواهد داشت.

خوشبختانه طولی نکشید که حقایق و بی نی های ما فغان ما با همه لیس های بندوسی که بان بود آینه بودند بر منکبرین و مشرکین واضح و آشکار گردید.

مجاننا ما نمیخواهیم از گذشته سخن رانیم و شاید هم میل نداریم بگذشته که بتزاج نفسانی و عدم معرفت بحوسه و استعداد و روحیات خاصه گیلانی توأم بود بجهت اعتراض کنیم فقط از لحاظ حسن ظن و علاقه شایان تقدیری که از طرف قاطبه اهالی محترم کتاب و شفا ما طلوع ابراز گردید و بنسبت عواطف سرشاری که ما را در انتشار حقایق تطویق و ترغیب نموده اند ما نیز فرض دانستیم که مسیبه ترین اشانات قلبیه خود را به پیشگاه ارجسته حساسین و تیب علاقه ندانیم بملکت تقدیم و وعده میدهم که پس از ستم ایام سوگاری و اصلاح بریشانی های اداری بتشار طلوع توفیق حاصل نموده خدمات میریزم را با سرباز همت و شجاعت اخلاقی و احسانات بی آرایش هموطنان محترم آغاز و بجان و تلامی ایام گذشته قیام و اقدام نمایم.

معهده هر روز از رشت

فوق العاده طلوع

# ه م و ط ن ا ن

دوم ایان ماه ۱۳۰۳

فقی با صبا مشک فشان خواهد شد  
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد  
ایران ، مهد تمدن شرقی ، مرکز اختراعات نواد آریین ،  
سر چشمه تجلیات و منبع ظهورات حقه ، سنجینه عظمت  
قرون متما دیه ، محور نهضت های انکالی آسای و سحای  
برای یک دفعه دیگر در صحنه مملات جلال و افتخار ظهور  
میکنند .

ایران با همه فرسودگی و ناتوانی قرن اخیر ، مجددا از  
زیر بار مقام اجتماعی کسر راست کرده و در دنیای جدید  
و تکاملی مرض اندام مینماید . در پیروجه ابتلاآت شرقی  
زمینی ایران قائم عظمت خاوریان قد رسادت بر افراشته و  
برای مهر که های جدیدی صف آرا می کند . این کشور  
بیر با دین جوان مرحله نوینی در پیش گرفته و ارتقان  
ذقیونی را به نام شرق تقدیم میکند . ایران پوشش کهنه و  
مندرسی را که از سالیان دراز بوسه زنی و پینه دوزی آن  
اشنتل داشت . این مرتبه از آن کند و لپس نو دوخت مناسبی  
را که با ترکیب زیا و ریخت ابتدای آن مساوات ورزد  
اجتیار میکند . آن لایحات بهت آور گذشته که هر برده  
آن قباچ و جنایاتی بر علیه ملک و ملت ظهور میکرد سپری  
کشت . زمام مقدرات ایران از دست های لالائی وی کفایت  
فاجریه سب و سادت آتی آن به آف کفایت یکی از  
بهترین فرزندان این کشور آفریض است . مجلس شورای  
ایران در جلسه نهم ایان ، ماه در اثر نهضت ملایون ایران و  
تقلیان انکار عمومی عاقبت تعیینی را که معززی صلاح مسلک  
و جامعه ایرانی بود اتخاذ و برای ابد سلطنت نو ادنی آل  
فاجار را منقرض نمود .

هموطنان ! اعتراض ایدی آل فاجار تاریخ آینه ایران را  
به اصول و قسمتهای افتخار آمیزی زینت داده و روزگار بی  
رواق و تکرین گذشته ما را ترمیم میکند . سر تا سر این مملکت  
خامرسا مملات در سماج شورانی قیجر فریادها و شهدای  
داده است که هنوز آهر عزا و مصیبت زدگی از چهره  
حساستن این ابالت واضح و هویدا میباشد . امروز دوره مز  
داری آل فاجار فرا رسیده و ما تنها خود را اسله خاممای

مجلسه عروزالوئی رشت

و شادکامی را پیش میگیریم . منت انتقام ملی عاقبت مرکز  
رسوائی و بی انضباطی ایران را سر ننگون و همه نهالید آن  
جوان شهزیرانی که در آغوش بربرویان اروپا بنام شاهنشاه  
ایران انتصاح روز ازونی را برای ما تباطف میگرد . در جامعه  
ایران جز از جوار و نترت عمومی رتبه و مقامی را دارا بود .  
هموطنان ! مجلس شورای مقدرات آتی ایران را بعادت  
ایران سپرده و عترب مجلس مؤسسان که از اساتذگان شما  
تشکیل میشود ، طرز حکومت آینه ایران را تعیین و بر طبق رشد  
و نمو اجنماعی ما قانون اسلامی ایران را تشکیل میکنند .  
هموطنان ! در این راهی که روح ممتب ما از نس نظام  
و جنایات انجر سلاسی جسته و به نام آزادی و حریت ضنبرورود  
میکنند . باید سواق سعیت زدگی و مزاداری را فراموش و  
سر مست و خاندان جشن آزادی خود را با طلمطرائی که در خود  
محیط آزادگی سلاسی است نهی و تدارک نموده و با هاله سرات  
عدوسی بهالیمان بهمانم که ایران مستتر از پسران اقراض سلاسی  
جسته و  
وطن پیر دربار جوان خواهد شد .

عین تکراری که امروز از مجلس شورای ملی واصل شده  
است بنقلار عموم میگذاوریم .  
از طهران برشت تاریخ هم زمان توسط وزارت تکراف بمعدالمال  
در اثر شکایات واسله و نظار عدم رضایت عمومی داده و اسد ذیل  
که در جلسه شنبه نهم ماه جاری به تصویب مجلس مقدس شورای  
ملی رسیده برای استحضار عموم اعلام میشود .  
نمره [ ۲۳۰۲۱ ] لایب و تپیس مجلس شورای ملی سید محمد تمین  
ماده واجده - مجلس شورای ملی بنام مامات ملت اقراض سلطنت  
تلقاباره را اعلام نموده و حکومت موثقی را در حدود قانون اساسی  
و قوانین موضوعه مملکتی تعیین آتی رضاخانی پهلوی وا گذار  
میکند . تمین تکلیف حکومت قضی ، موکول بنظر مجلس مؤسسان  
است که برای تعیین مواد [ ۳۶ ] [ ۳۷ ] [ ۳۸ ] و [ ۴۰ ]  
متمم قانون اساسی تشکیل میشود

لایب رئیس مجلس شورای ملی  
سید محمد تلدین